

## جمع بندی نهایی مقدمه ۱۰: (تصویر جامع)

۱. با توجه به آنچه آوردیم، از میان ۱۳ مبنای مطرح شده (۵ مبنا در جامع صحیحی و ۸ مبنا در جامع اعمی)، ۴ مبنا را می توان ثبوتاً پذیرفت. مبنای آخوند، مبنای محقق اصفهانی (که البته این دو مبنی قابل انطباق بر هم بودند) و مبنای امام خمینی (با تصحیحی که در آن ارائه کردیم) و مبنای مختار. در این میان مبنای امام و مبنای مختار جامع اعمی را تصویر می کند و مبنای دیگری جامع صحیح را.

۲. در پایان بحث حقیقت شرعیه گفتیم که وضع از امور اعتباری است ولذا وابسته به نحوه اعتبار معتبر است و به همین جهت گفتیم که نمی توان ضابطه ای کلی در مورد همه لغات ارائه داد. همین بحث در این جا هم مطرح است. یعنی قاعده ای نداریم که بگوییم همه الفاظ عبادات دارای وضع واحدی هستند. بلکه امکان دارد در هر یک از آنها به یکی از مبانی پذیرفته شده، ملتزم شد. پس اینکه مبنای ما در لفظ صلوٰة هشتمین مبنای اعمی ها بود، باعث نمی شود که در بقیه الفاظ - اعم از شرعی و غیر شرعی مثل ماشین - هم همین را بگوییم. بلکه در هر مورد باید بحث را مستقل بررسی کرد.

بل: برخی از این مبانی که رد شده اند، در مورد وضع صلوٰة، مورد قبول نیستند، بلکه چه بسا برخی از آنها در مورد سایر الفاظ عبادات قابل قبول باشد.

۳. مرحوم فاضل لنکرانی در بحث از صحیح و اعم می نویسند:

«علاوه گفتیم: ما چرا تصویر جامع بکنیم؟ مگر ما واضعیم که نیاز به تصویر جامع داشته باشیم، تصویر جامع را واضع و نام گذارنده باید داشته باشد. ما هم از راه تباد کشف می کنیم که چنین جامعی بوده، اما ما هم باید بفهمیم که آن جامع چه بوده، هیچ ضرورتی اقتضای این معنا را نمی کند، لذا این بحث که دیگر اعمی می تواند تصویر جامع بکند؟ یا نمی تواند تصویر جامع بکند؟ چون هیچ ثمره ای بر هیچ یک از دو طرف مسأله ترتب پیدا نمی کند.»<sup>۱</sup>

ما می گوییم:

این سخن کامل نیست چراکه اگر کسی مثل مرحوم آخوند معتقد شد که جامعی برای اعمی ها قابل تصویر نیست، در حقیقت می گوید تصویر جامع برای اعمی ها، محال است. و لذا حتی اگر هم دلیلی به نفع اعمی ها یافت شود، در این صورت دلیلی است بر خلاف صریح عقل و لذا باید آن را توجیه کرد.

۱. سیری کامل در اصول فقه، ج ۱ ص ۲۰۱

